

حادثه مرگ آور

برای گردشگران دزفولی

نوزده گردشگر دزفولی که در قالب تیم کوهنوردی به منطقه کول خرسان دزفول رفته بودند، در رودخانه دز حوالی چال کندی چال حادثه شدند که در جریان آن دوفتقر غرق و سه نفر ناپدید شدند.

عبدالعظیم رضایی، رئیس جمعیت هلال احمر دزفول درباره این حادثه به ایسنا گفت: روز پنج‌شنبه تعداد ۱۹ گردشگر از اهواز جهت تفریحات آبی به منطقه چال کندی در شمال دزفول رفتند. این تعداد از منطقه کول خرسان به آب زده‌اند و در ادامه در منطقه سنگ دوم که منطقه‌ای سخت برای انجام ورزش‌های آبی و در برخی نقاط ناشناخته است، دچار حادثه شدند. رضایی افزود: این گردشگران با تیوب‌هایی که به هم وصل بودند، در جریان رودخانه دچار حادثه شدند که مردم و قایق‌دارانی که در آن منطقه حضور داشتند، هنگام وقوع حادثه ۱۲ نفر را زنده نجات دادند.

پس از این با حضور نیروهای امدادی و آتش‌نشانی و همچنین اهالی منطقه و قایق‌داران، دو جسد متعلق به یک دختر و یک پسر که حدوداً ۳۰ساله از داخل آب‌های رودخانه کشف شد، اما چهار نفر دیگر همچنان مفقود بودند تا اینکه روز جمعه باگذرد جمعیت هلال‌احمر استان خوزستان که به همراه نیروهای امدادی بر فراز رودخانه دز و منطقه گردشگری چال کندی و کول خرسان به پرواز در آمده بودند، یکی از گردشگران مفقود شده را زنده شناسایی کردند، این فرد که روی صخره‌ای در دره گرفتار شده بود و به وسیله قایق تندرو نجات پیدا کرد. محمدرضا کر مرنژاد، شهردار دزفول هم درباره این حادثه گفت: یک تور گردشگری شامل تعدادی کوهنورد از اهواز به دزفول سفر کرده و در رودخانه دز مشغول انجام تفریحات آبی بودند ولی تیوب بادی آنها در مسیر رودخانه دچار مشکل می‌شود و در منطقه کول خرسان در رودخانه دز غرق شدند.

وی ادامه داد: در حال حاضر تمامی عوامل امدادی و نیروهای آتش‌نشانی در محل حادثه حضور دارند و تاکنون از سرنوشته بقیه افراد کم شده خبری نشده است.

حسب و شلاق مجازات دستبرد سارقان به اموال رهگذران

سارقان مسافرکش نمای می‌که اموال رهگذران را سرسقت می‌کردند، به حبس، شلاق و رد مال محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما، مردادماه امسال، زن جوانی سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سارقان پرایدسوار به اتهام سرقت کیف و لوازم همراهش شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: گوینده رادیو هستم. ساعتی قبل از خانه بیرون آمدم و در حال عبور از خیابان، خودروی پرایدی با دوسرنشین به من نزدیک شد. احتمال دادم مسافرکش هستند، به همین دلیل سوار خودرو شدم، اما آنها مرا به محل خلوتی بردند و با تهدید چاقو کیف و لوازمی را که همراه داشتم، سرقت کردند.

با طرح این شکایت، پرونده برای شناسایی سارقان در اختیار کارآگاهان قرار گرفت و در حالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت، مأموران با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند. شکایت شاکیان حاکی از آن بود ، سارقان دو مرد جوانی هستند که با خودروی پراید در خیابان‌های خلوت غرب تهران با تهدید چاقو مرتکب سرقت اموال رهگذران می‌شوند. بعد از آن، مأموران در نخستین گام از تحقیقات خود توانستند از طریق ردیابی تلفن همراه یکی از مالباختگان، مرد میانسالی را با نام اصغر شناسایی و بازداشت کنند که در بازجویی مشخص شد مالخر لوازم سرقتی سارقان است. در ادامه مأموران با انجام تحقیقات تخصصی توانستند دو سارق و نام‌های کیوان ۴۴ ساله و محسن ۳۱ساله را شناسایی و بازداشت کنند. دو سارق در بازجویی‌ها با اعتراف به جرمشان به اتهام آدم‌ربایی و سرقت روانه زندان شدند.

پرونده بعد از کامل‌شدن تحقیقات به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی اصغرزاده و مستشار توکلی قرار گرفت. ابتدای جلسه بعد از قرائت کیفرخواست شاکیان بار دیگر شکایت خود را مطرح کردند.

یکی از شاکیان که گوینده رادیو بود، گفت: روز حادثه بعد از آنکه سوار خودروی سارقان شدم با چاقو مرا تهدید کردند. از ترس مقاومتی نکردم و آنها کیف و ساعت طلاي مرا به قیمت ۳۰ میلیون تومان سرسقت کردند. حالا درخواست رد مال دارم.

دیگر شاکي نیز در طرح شکایت خود گفت: سارقان بعد از آنکه متوجه شدند پولی همراه ندارم، مرا با تهدید چاقو جلوی عابرانکی بردند و حساسیم را خالی کردند. کل مبلغی که در کارت‌م بود ۲۰۰ هزار تومان بود. سارقان وقتی حساسم را چک کردند ۷۰ هزار تومان برداشتند و مابقی را برگرداندند. برای سارقان درخواست رد مال دارم.

سومین شاکي گفت: سارقان با تهدید جیب‌هایم را خالی کردند، اما ۱۰ هزار تومان از پولسم را بابت کرایه ماشین برگرداندند و رفتند. درخواست رد مال دارم.

در ادامه، متهمان در جایگاه حاضر شدند و از خود دفاع کردند. یکی از آنها گفت: اواخر سال ۹۵ بود که با محسن آشنا شدم. هر دو معتاد به موادمخدر بودیم. قرار شد برای پول مواد، در پوشش مسافرکش از مسافران سرقت کنیم. با تهدید چاقو همه لوازم همراه و پول نقد مسافران را سرقت می‌کردیم. اگر پول نقد نداشتند، آنها را مجبور می‌کردیم تا عابر پول بگیرند.

بعد از تأیید این توضیحات از سوی دیگر متهم، هر دو سارق در آخرین دفاعشان گفتند: به خاطر مصرف شیشه و موادمخدر حالت عادی نداشتیم. از شاکیان و قضات می‌خواهیم ما را ببخشند و در مجازاتمان تخفیف دهند.

در آخر متهم دیگر پرونده که به عنوان مالخر با سارقان همکاری داشت، در دفاع از خود گفت: نمی‌دانستم لوازمی را که آنها برای فروش می‌آوردند، سرقتی است. تا اینکه از طریق ردیابی خط تلفن یکی از مالباختگان دستگیر شدم.

در پایان هیئت قضایی بعد از شورور، هر دو متهم را به اتهام آدم‌ربایی به ۲۰ سال حبس و به اتهام سرسقت به ۱۵ سال حبس و شلاق، همچنین ردمال محکوم کرد. سپس مالخر را به ۴/۵ سال حبس و ۲۴ضربه شلاق محکوم کرد.

وعده تحصیل در دانشگاه‌های معتبر کشورهای غربی شیوه‌ای بود که مرد کلاهیبردار با فریب دانشجویان و خانواده‌هایشان موفق شده‌است، بیش از ۳ میلیارد تومان به جیب بزند، به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی به نامسرای ناحیه یک تهران رفت و از رئیس شرکتی تحت عنوان دانش‌پژوهان به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت:مدتی بود تصمیم داشتم برای تحصیل به کشور آمریکا بروم تا اینکه چندماه قبل پیامکی درباره چگونگی گرفتن ویزای اقامت تحصیلی و دانشجویی به گوشی‌ام ارسال شد.پیامک متعلق به شرکتی به نام دانش‌پژوهان و محل دفترش هم در حوالی خیابان کارآونیه بود که تصمیم گرفتم برای مشاوره به آنجا بروم. مدیر شرکت مردی به نام سیلوش بود که قول داد برای من ویزای تحصیلی بگیرد. پس از اینکه با او قرار داد بستیم، مبلغ ۵۰ میلیون تومان به حسابش را ریز کردم و منتظر دریافت ویزای تحصیلی بودم که متوجه شدم سیلوش از من کلاهبرداری کرده و شرکت راسته است.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. همزمان با ادامه تحقیقات مأموران با شکایت‌های مشابه‌ای روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت مدیر شرکت «دانش پژوهان» به نام سیلوش در پوشش اخذ ویزای اقامت تحصیلی و دانشجویی از کشورهای آمریکا، انگلستان، کانادا و اسلواکی، از تعداد زیادی شهروند از ۵۰ میلیون تومان تا ۲۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده‌است و پس از بستن دفترش در خیابان کارآونیه متواری شده است. یکی از مالباختگان در اظهاراتش گفت: توسط یکی از دوستانت‌به سیلوش به عنوان مدیر شرکت دانش‌پژوهان معرفی شدم، پس از مراجعه به دفتر شرکت وی در منطقه کارآونیه، برای گرفتن ویزای کشور انگلستان برای اقامت خودم و پسرم از طریق پذیرش تحصیلی با شرکت دانش‌پژوهان قرار داد بستیم. دفتر شرکت فاقد تابلو بود و وقتی علت آن راجویا شدیم، سیاوش مدعی شد که به تازگی به این مکان نقل مکان کرده‌اند، در ادامه مذاکرات، او مدعی شد که می‌تواند از طریق ثبت نام پسرم در مدارس تابستانی

حجرات

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵

کلاهبرداری ۳ میلیاردی با وعده تحصیل در خارج از کشور



کشور انگلستان اقدام به اخذ ویزا برای من و پسرم کند و دو ماه اقامت در این کشور را برای ما تأمین کند و به این بهانه مبلغ ۵۰ میلیون تومان از من دریافت کرد. وی ادامه داد: پس از گذشت چندین ماه وی با من تماس گرفت و در کمال ناباوری مدعی شد که برای ثبت‌نام پسرم در دیزل‌است، در چنین شرایطی تصمیم گرفتم پولم را پس بگیرم که پس از یک‌ماه رفت و آمد به دفتر سیاوش متوجه شدم،دفتر شرکت دانش‌پژوهان به صورت ناگهانی تعطیل شده‌است. در این مدت نیز تحقیقاتی انجام دادم که متوجه شدم مدرسه مورد ادعای سیاوش شرکتی برای ثبت نام فرزندم وجود خارجی ندارد که فهمیدم وی با این شیوه از من و تعدادی دیگر کلاهبرداری کرده‌است. مالباخته‌ای دیگر که به بهانه اخذ ویزای دانشجویی از کشور آمریکا مدره کلاهبرداری قرار گرفته بود، گفت: من از طریق پیامک‌های تلگرامی با شرکت دانش‌پژوهان آشنا شدم. چندماه قبل به همراه مادرم برای گرفتن ویزای دانشجویی برای دانشگاه بستن (Boston) به مؤسسه دانش‌پژوهان اطلاع‌ای از سیاوش ندارم.

مراجعه کردیم، مبلغ ۲۸۰۰ دلار به عنوان دستمزد پرداخت کردیم و در ادامه به بهانه‌های مختلف مجموعاً

بیش از ۸۰ میلیون تومان به مؤسسه دانش‌پژوهان پول پرداخت کردیم، وقتی همه مبلغ خواسته شده را پرداخت کردیم، مدیر شرکت مدعی شد که به زودی مرا برای بررسی به سفارت آمریکا در کشور قبرس می‌فرستد، اما او چند روز بعد مدعی شد که سفارت آمریکا در کشور قبرس وقت‌مصاحبه نمی‌دهد، به همین دلیل از من چندماه دیگر فرصت خواست تا وقت مصاحبه سفارت آمریکا در کشور

تریش را برایم هماهنگ کند. او به بهانه‌های مختلف، زمان‌های دیگری را برای مصاحبه من مشخص کرد تا اینکه یک روز ادعا کرد بنا روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید در کشور آمریکا امکان رفتن به آمریکا وجود ندارد و من باید به سفارت آمریکا در تهران بروم. کلاهبرداری من انگلستان فرستد، اما پس از گذشت چندوقت دفتر شرکت در منطقه کارآونیه تعطیل شد و از آن زمان هیچگونه اسلای‌ای از سیاوش کمنده.

پزشک متخصص قتل همسر پرستارش را انکار کرد

مدعی شد که آمبول آرامیخش بوده است، ما بلافاصله خواهرم را به بیمارستان بردیم که به کما رفت. سامان در بیمارستان ادعا کرد که همسرش متادون مصرف کرده و حالش بد شده‌است، اما آزمایش بیمارستان نشان داد که او اصلاً متادون مصرف نکرده است. پس از این به اصرار سامان نمونه برای آزمایش به بیمارستان دیگری فرستاده شد که این بار اعلام شد پرستار بیمارستانی در شمال تهران بود، او اردیبهشت ماه سال ۹۴ با دکتر متخصص جراح مغز و اعصاب به نام سامان ازدواج کرد. پرستو و شوهرش زندگی مشترکشان را در ساختمان محل سکونت پدرم آغاز کردند. آنها ابتدا زندگی خوبی داشتند تا اینکه پرستو متوجه ارتباط دوستانه شوهرش با پرستار دیگری به نام شهره شد. همین موضوع باعث اختلاف بین آنها شد. آنها مدت کوتاهی با هم قهر بودند تا اینکه با میانجیگری بزرگان با هم آشتی کردند. آنها ظاهراً مشکلی با هم نداشتند تا اینکه شب بیست و دوم آبان ماه سال ۹۴ متوجه شد حال پرستو بد شده است. وقتی به خانه‌اش رفتم، دیدم شوهرش در حال تزریق آمپولی به پرستو است. پس از این حال خواهرم بدتر شد، به طوری‌که از دهانش کف بیرون آمد و وقتی از شوهرش پرسیدم چه آمپولی به او تزریق کرده‌ای

پزشک متخصصی که متهم است دو سال قبل همسرش را به خاطر اختلافتی به قتل رسانده. در بازجویی‌ها قتل همسرش را انکار کرد. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زن جوانی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از شوهر خواهرش به اتهام قتل خواهرش شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: خواهرم پرستو پرستار بیمارستانی در شمال تهران بود، او اردیبهشت ماه سال ۹۴ با دکتر متخصص جراح مغز و اعصاب به نام سامان ازدواج کرد. پرستو و شوهرش زندگی مشترکشان را در ساختمان محل سکونت پدرم آغاز کردند. آنها ابتدا زندگی خوبی داشتند تا اینکه پرستو متوجه ارتباط دوستانه شوهرش با پرستار دیگری به نام شهره شد. همین موضوع باعث اختلاف بین آنها شد. آنها مدت کوتاهی با هم قهر بودند تا اینکه با میانجیگری بزرگان با هم آشتی کردند. آنها ظاهراً مشکلی با هم نداشتند تا اینکه شب بیست و دوم آبان ماه سال ۹۴ متوجه شد حال پرستو بد شده است. وقتی به خانه‌اش رفتم، دیدم شوهرش در حال تزریق آمپولی به پرستو است. پس از این حال خواهرم بدتر شد، به طوری‌که از دهانش کف بیرون آمد و وقتی از شوهرش پرسیدم چه آمپولی به او تزریق کرده‌ای

وی ادامه داد: پس از فوت، کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند پرستو به خاطر عفونت شکمی و عوارض قلبی و مسمومیت جان



متهم: سو گند می‌خورم

مرتکب قتل نشده‌ام

مردی که متهم است ۱۱ سال قبل در درگیری پسر جوانی را به قتل رسانده‌است، پس از چهار بار محاکمه در جلسه دادگاه سوگند خورد که مرتکب قتل نشده‌است. به گزارش خبرنگار ماهشتم مردادماه سال ۸۵، مأموران پلیس از یک قفسه درگیری در یکی از خیابان‌های حوالی خزانه با خبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد جوان ۲۵ساله‌ای به نام مهرداد در درگیری با مرد میانسالی با ضربه چاقو به قتل رسیده‌است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران یحیی ۵ساله –ضارب- را در محل بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل کردند و تحت بازجویی قرار دادند. اما متهم با انکار قتل گفت: شب حادثه در حال اسباب‌کشی بودم که دو سرنشین موتور سوار نزدیک شدند و با تهدید چاقو مرا از ماشین پیاده کردند. آنها با چاقو مرا زخمی کردند و بی‌امی را شکستند، وقتی به خودم آمدم دیدم دستمتر آنطرف‌تر جسد یکی از آنها روی زمین افتاده‌است. مقتول رانمی شناختم، اما دوستش مرتضی از بچه‌های محل بود. در ادامه تحقیقات دوست مقتول- مرتضی

- به مأموران گفت: یحیی ۲ میلیون تومان به مقتول بدهکار بود. از طرفی مدتی قبل اسباب‌کشی یک گوشی با خط تلفن از من خرید و قرار شد چند روز بعد پولش را پرداخت کند. چند هفته گذشت، اما خبری نشد و هر بار که او را می‌دیدم، طفره می‌رفت. شب حادثه‌ما مقتول به قیوه‌عاده می‌رفتیم که یحیی را دیدیم. نزدیک شدیم تا در مورد طلبمان صحبت کنیم که منجر به درگیری شد در آن درگیری یحیی با چاقو به سینه مهرداد زد و فرار کرد. در شاخه دیگری از تحقیقات، شاهدان و کسان محل نیز گفتند شب حادثه مقتول باضربه چاقوی یحیی به قتل رسید. بعد از آن بود که یحیی به اتهام قتل عمد روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات، به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در دو جلسه رسیدگی به قصاص محکوم شد، اما این رأی از سوی دیوان نقض و به شعبه دوم دادگاه کیفری ار جاع داده شد. بنابراین متهم برای سومین بار محاکمه و بار دیگر نیز به قصاص محکوم شد، اما این بار هم از سوی دیوان نقض شد و پرونده برای چهارمین بار به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد. بدین ترتیب هفته گذشته پرونده در شعبه دوم روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی قریان‌زاده و مستشار حاضر قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم بعد از اعتراض‌ها به گذشت ۱۱ سال از قتل پسرشان و تعویق اجرای حکم، بار دیگر درخواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر با انکار جرمش به سوآلات هیئت قضایی پاسخ داد.



در خصوص گزارش کلاتتری در مورد پیراهن خونین ات در شب حادثه چه توضیحی داری؟

آن قطره‌های خون خودم بود. شب حادثه‌ان دو نفر با چاقو حمله کردند و سر، کتف و باهام را زخمی کردند. بعد از آن بامش به بیبتی‌ام‌زدند و آن را شکستند. می‌خواستم به کلاتری بروم و از آنها شکایت کنم که دستگیر شدم. **طبق اظهاراتی که در دادسرا گفتی، شب دستگاه موتور سبکلت همراه ۱۲ نفر به تو حمله کرده بودند. چطور در آن لحظه اینقدر دقیق شناسایی کردی و توانستی در مقابل آنها از خودت دفاع کنی و کشته نشوی؟**

الآن هم قبول دارم و ۱۲ الی ۱۳ نفر باشش دستگاه موتورسبکلت به محل آمدند، اما فقط مقتول و مرتضی به من حمله کردند.

انگیزه درگیری آنها برای گرفتن طلبشان بود یا نه؟

قبول ندارم، آن زمان مبلغ گوشی به همراه یک خط تلفن ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان نبود. گویا سود پولش را هم حساب کرده بود. مرتضی به خاطر کینه قلبی به من حمله کرد و ما بارها با هم درگیر شده بودیم.

متهم در ادامه گفت: مدتی قبل از حادثه مرتضی به خواستگاری دخترم آمده بود و من جواب رد داده بودم، اما او خیلی اصرار داشت تا اینکه بار آخر به او گفتم برو و پشت سرت راه هم نگاه نکن. دلیل اسباب‌کشی هم به خاطر همین بود. شب حادثه تا مرا دید به مقتول گفت خودش است و بعد به سمت من حمله کرد.

در مورد گواهی شاهدان چه جوابی داری؟ دروغ است. شب حادثه بعد از درگیری به کارخانه برقی که نزدیک آنجا بود، رفتم. نگهبان شاهد بود که آنها به من حمله کردند و قتلی مرتکب نشدم.

بعد از پاسخ به سوآلات، هیئت قضایی از متهم خواست تا در مورد ادعای گناهی‌اش مقابل هیئت قضایی و اولیای دم سوگند بخورد. سپس متهم در وقت اذان ظهر بعد از گرفتن وضو دستاتش را روی قرآن گذاشت و سوگند خورد که قتلی مرتکب نشده‌است.

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.